



دفاع مقدس

مهدی امینی با اشاره به حضور ۵۶ کشور در جنگ تحمیلی در گفت‌و‌گو با «فرهیختگان»:

از ۱۸ کشور اسیر داشتیم

بازخوانی زمینه‌های آغاز جنگ تحمیلی از این جهت بسیار مهم است که تاریخ اذهان امروز و فردای ملت‌ها را شکل می‌دهد. جنگ رسانه‌ای غرب همواره سعی کرده است تاریخ انقلاب اسلامی ایران را غبار آلود و منحرفانه معرفی کند. جنگ تحمیلی هشت ساله که طی آن رژیم بعث عراق با انواع سلاح‌های شرقی و غربی به جان ملت ایران افتاد، مقطع

کشوری که تازه در آن انقلاب شده، بهترین زمانی است که این نوزاد را داخل گهواره از بین ببرد.

درگیری‌ها شروع می‌شود و می‌بینیم کسانی که من اسم آنها را فراماندهان جبهه علم و ایمان می‌گذارم و پشت میزهای دانشگاه‌ها درس می‌خواندند همانند زین الدین، احمد متوسلیان، حسن باقری، شهید علی قمی، محمود کاوه، ابراهیم همت، محمود شهبازی، محسن وزوایی از پشت میزهای دانشگاه بلند می‌شوند و در نقاط آشوب‌زده که این اتفاق تجزیه‌طلبی صورت می‌گرفت، ورود کردند. در هر جای دنیا بروید وقتی یک اتفاقی شکل می‌گیرد اگر نیرویی از مرکز حکومت به آن نقطه آشوب‌زده گسیل شود، این‌طور عمل به‌ذهن‌ها متبادر می‌شود نیرویی که از حکومت مرکزی آمده برای سرکوب آمده‌است ولی نیروهای ما واقعاً برای سرکوب رفتند؟ همت بادل مردم کاری کرد که به‌عنوان نماینده مجلس پایه‌ی می‌خواستند او را به مجلس بفرستند؟

این برآمده از مکتب اسلام است، برآمده از مکتب و مدل مذهب شیعه است و منحصر در هر جای دنیا این مدلی رفتار شود، به نوعی یا ما ارتباط دارد. از طرفی در عراق که کشور کودتاهاست، صدام کودتا می‌کند. صدام، معاون اول حسن البکر بود. خود حسن البکر روری دولت عبد‌الکریم قاسم کودتا کرده بود.

صدام جوان، پرشکرو و به دنبال کمزورکنشایی و قدرت‌طلبی و توسعه‌گرایی بود و سروسری اطلاعاتی‌ای که برای خود درست کرده بود، امام (ره) را رصد می‌کرد و همه جزئیات را شناسایی کرده بود. عراق ۱۴ میلیون جمعیت داشت اما سه‌هونم میلیون درگیر جنگ داشت؛ یعنی شهرداری کرپلا در خط جنگ مسئولیت داشت اما در جمهوری اسلامی چطور بود؟ من نمی‌گویم، منبع صحبت آقای هاشمی است. اگر خواستید جداگانه می‌فرستم که عینا بیاورید. آقای هاشمی می‌گوید شب‌خانه‌فان رئیس قوه بودیم. نشستیم صحبت کردیم که بنود چه جایی را جنگی ببندیم یا مثل قبل ببندیم و در آخر به این نتیجه رسیدیم که مثل قبل ببندیم!

یعنی چه؟ یعنی بود چه کشور هیچ‌وقت جنگی نبوده است. آقای هاشمی می‌گوید من معتقد بودم هم امرام معاش باید باشد و هم جنگ باشد. اینکه نمی‌شوند، خروجی این می‌شود که در حوزه بحث درآمدهای نفتی، ما از ۱۸۰ میلیارد دلار در هشت سال درآمدی که کسب شده بود، ۲۰ میلیارد یعنی ۱۲ درصد به جنگ اختصاص داده شد.

می‌توانید بگویید ۱۶۰ میلیارد دلار کجا رفت؟

آقای رفیق دوست به خود من می‌گفت برای تهیه تجهیزات که بحث‌هایی دارد، چه کارها می‌کردند که بتوانند با واسطه لباس غواصی بخرند. در آن سوی داستان، صدام مراد سال ۵۸ کودتا می‌کند و دقیقاً در همان مقطع شمارد پایه درگیر هستید. نیروهای سپاه در یادگان پایه محاصره شدند در دگریری شدید است و همان مقطع در عراق هم کودتایی شود و عراق پیامی برای ایران می‌فرستد که منجر به قرارداد ۱۹۷۵ در سال ۵۳ می‌شود. این قرارداد چهار بند دارد. یک بند این است که مرزهای زمینی همان مرزهایی است که در قرارداد قسطنطنیه بود؛ این تکان نمی‌خورد.

در دومین بند آمده است: مسیر آبی قسمت عمیق رودخانه ارنود به‌عنوان مرز مشترک ایران و عراق است. بندی هم درباره اشحام، ورود و خروج بازرگانان و دکل‌های دیده‌بانی و مباحث بین‌مرزی است که می‌گوید باید با هم حل و فصل کنیم و بند آخر: هر کدام از این بندها را اگر یکی از طرفین رعایت نکند، به مثابه زیرسوال بردن از این رفتن روح حاکم بر کل قرارداد است.

اگر بگویید این را قبول دارم و آن را قبول ندارم، نمی‌شود. سه مورد را باید با هم ببینید و هر سه مورد بخشی از یک راه‌حل کلی است.

اگر یکی را هم نپذیرید، ریز کل قرارداد زده‌اید.

صدام به بنی صدر نامه زد و گفت: این شاهی که آنقدر بد بود، با ما این کار را کرده است و شما که انقلاب کردید و آدم خوبی هستید، بند این کار را کرده‌اید. جمهوری اسلامی گفت: این قرارداد بین المللی است و سرچای خودباقی می‌ماند یعنی ملغی نمی‌کنیم بلکه باقی‌می‌کنیم. صدام هم دنبال دشمنی بود. این‌طور نبود اگر قرارداد را حذف می‌کردیم، با ما کاری نداشت. او می‌داند که سیستم اداری هر جور مست است و ساختار به هم ریخته است. دانشگاه‌ها تعطیل است. سیستم نظامی مضمحل است. فرماندهان اعدام یا زندانی شدند یا فرار کردند. نگهداری و تعمیرات تجهیزات و تسلیحات صورت نگرفته است؛ اینها بخشی از فضای موجود است.

در حوزه سیاسی بیش از ۲۰۰ حزب و گروه قارچ گونه تشکیل شده است. روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌ها و ماهنامه‌های زرد و سفیدوآبی منتشر می‌شوند. رسامار کسبیت‌ها کف خیابان تهران مسلح‌رزمی‌روند. لیبرال‌ها و کمونیست‌ها هم همین‌طور بودند. حزب توده، مجمع کمونیست‌ها سازماندهی می‌شدند. گروه‌های انقلابی، نهضت آزادی و زنجیران و … بودند و همه اینها درگیر هستند.

همزمان در آن مقطع در کردستان درگیر هستیم و این دو سال حساس و بسیار مهمی است که در تاریخ مغفول واقع شده است. احمد متوسلیان با ۱۸۰-۱۷۰ پاسدار به مریوان می‌رود. بعدها احمد متوسلیان فرمانده تیپ ۲۰ هزار نفره و بنیانگذار حزب الله لبنان می‌شود. او یکی از بنیانگذاران حزب الله لبنان و جبهه‌مقاومت در جهان است و از کردستان رشد می‌کند. در کردستان این فرمول فرماندهی را یاد گرفته‌است، تر تشیده شدن احمد متوسلیان جدید در کردستان شکل می‌گیرد. محمود کاوه، ناصر کاظمی، محمد گوگردی هم همین‌طور هستند. فرمانده‌هایی از دل این جنگ و دوسال قبل از شروع رسمی آن شکل می‌گیرند که بعدها موثرترین افراد در حوزه پیشبرد اهداف دفاع مقدس و سیاسی کشور می‌شوند. ما در آنجا درگیر هستیم. عراق آماده و میهنی می‌شود که به ما حمله کند. فرماندهان سپاه همه جوان و تحصیل‌کرده و از پشت میزهای

دفاع مقدس



www.fdn.ir

@farhikhtegandaily

📷📷📷

فرهیختگان



او را آنتریک می‌کند و می‌گوید ژاندارم منطقه‌ای وجود ندارد و شما می‌توانید ژاندارم منطقه باشید.

در مرز با عراق جلسات محرمانه و سری شکل می‌گیرد که عراق را تحریک کند. یکباره می‌بینید از خرداد سال ۵۹ درگیری در شلمچه داریم. مادر شلمچه شهید دادیم. با قناصه زند و این سه ماه قبل از شروع رسمی جنگ است. همین‌طور وقتی جلوتر می‌آید دو تا سه نقطه را عراق می‌گیرد؛ از جمله نفت، سومار و زین القوص.

اینها برای چه زمانی است؟

اینها برای قبل از شروع جنگ است. در تبر، مراد و شهرپور درگیری رسمی‌تر می‌شود. مثلاً ۱۰ روز قبل از آغاز جنگ رسمی ۲۱ شهریور اتفاقاتی رخ می‌دهد. در مقطعی می‌بینید در ۲۱ شهریور صدام در مجلس عراق صحبت می‌کند و قرارداد الجزایر را جلوی دوربین تلویزیون‌ها پاره می‌کند. می‌گوید قرارداد ۶ مارس از نظر ما ملغی است. قرارداد بین المللی را پاره می‌کند.

لذا بحث پیشینه‌های جنگ تحمیلی اینهایی بود که من عرض کردم. در فروردین قطع رابطه سیاسی آمریکا با ما بود. بعد آقای برژنفسکی را فرستاد تا محرمانه در مرز عراق و اردن با صدام دیدار کند و او را برای جنگ با ما مجاب کند. صدام هم احساس کرد می‌تواند ژاندارم منطقه باشد چون خلا نبودن ژاندارم منطقه در خاورمیانه وجود داشت.

شروع جنگ تحمیلی عراقی‌ها پنج هزار و ۴۰۰ دستگاه تانک داشتند. نزدیک به ۳۰۰ و خرده‌ای هلی کوپتر داشتند. ۱۲ لشکر متشکل از لشکرهای پیاده، مکانیزه و زرهی و تیپ‌های ژاندارمری و پلیس و … در ادرگیر جنگ کردند. برحسب ظاهر عراق بود، ولی پشتیبانی از طرف ۵۶ کشور انجام می‌شد. در حوزه مذهبی هم بسیار قدرتمند بود، چون مهندسی غربی به کمک آنها آمد.

۳۱ شهریور عراق با ۱۹۲ هواپیمای فرودگاه‌های ما حمله می‌کند. این‌هم مدلی برگرفته از اسرائیلی‌ها بود. اسرائیل زمانی که می‌خواست در جنگ اکتبر ۱۹۶۷ به اعراب حمله کند رئیس اعراب و سررمدار مصر بود و دومین کشور قدرتمند عربی سوریه بود. ۲۰ دقیقه قبل از اینکه بخواهند تکان بخورند ۷۰ درصد از نیروی هوایی مصر را نابود کرد.

مدل تبلیغاتی صدام بر اساس هیتلر و مدل نظامی او بر اساس طرح‌های اسرائیلی بود. ۱۹۲ هواپیمای عراقی آمد و ۱۱ استان ما را زد. از جمله فرودگاه تهران، مهرآباد را زد. ساعتی ۱۰:۱۴ بعداز ظهر ۳۱ شهریور صدای انفجار آمد و مردم هیچ پیشینه‌ای نداشتند.

چرا پیشینه نداشتند؟ شما می‌گویید مقدمه‌سازی شد؟

نداشتند. داخل کشور این منتشر نمی‌شد که به‌زودی عراقی‌ها به ما حمله می‌کنند؛ اما صدام کار خود را می‌کرد. رئیس جمهور در کشور معتقد بود غلطی کند حمله کنند. یعنی می‌گفتند تانک‌ها در طرح‌های اسرائیلی بود. ۱۹۲ هواپیمای عراقی آمد و ۱۱ استان ما را زد. از جمله فرودگاه تهران، مهرآباد را زد. ساعتی ۱۰:۱۴ بعداز ظهر ۳۱ شهریور صدای انفجار آمد و مردم هیچ پیشینه‌ای نداشتند که جنگ می‌شود و وقتی صدای انفجار آمد بگویند جنگ شد.

وقتی این اتفاق افتاد همه شوکه شدند و نمی‌دانستند چه کنند. امام (ره) پیامی داد که چیزی نشده است، دزدی آمده و سنگ انداخته و رفته است. ما چنان سیلی‌ای می‌زنیم که نتواند از جای خود بلند شود. امام (ره) لفظ دزد را که درباره صدام به کار برد اولین تهاجم انجام‌شد. یک وقتی می‌گویند قاتل قاجاقچی و … است یک وجهی دارد. یک وقتی می‌گویند دزد است، سیخ‌فترین لفظی که امام می‌توانست استفاده کند دزد بود. یعنی ضربه اصلی را امام (ره) به صدام زد که لفظ دزد را برای او به کار برد.

ارتش هم عملیاتی کرد که انصاف‌اف در تاریخ ماندگار شد. عملیات ۱۴۰ فروندی بود. این برای روز اول جنگ بود. عراق که به ما زد یک روز بعد عملیات را انجام دادیم.

عملیاتی که ارتش انجام داد. این عملیات جزء افتخارات کشور در تاریخ چند هزار ساله است. بحث من درباره انقلاب نیست. کار بزرگی بود که بچه‌های ارتش انجام دادند. عملیات برگرفته از طرح البرز بود. در اصل عملیات ۱۴۰ فروندی که الان مطرح است به این نام هست ولی این ۱۴۰ هواپیمای براساس طرحی به نام کمان ۹۹ است. کمان منظور آرش کمانگیر است و ۹۹ هم به دلیل طرح ۹۹ صفحه‌ای است. این بزرگ‌ترین عملیات پیروزمند هوایی جهان در تاریخ قرن است. ایران قدرتی را به رخ دشمن کشید که در عرصه هوایی حرف برای گفتن داریم. این حرکت اساسی بود.

دانشگاه آمده‌اند و نه درجه سر شانه و نه پال و کوبال نظامی و شلاقی در دست و نه چهره‌های درهم، سیاه، اخمو و پیشانی چروکیده‌ای دارند. اینها در نقاط مرزی درگیر هستند.

چند ماه مانده به آغاز رسمی جنگ، سپاه‌های محلی می‌بینند در خطوط مرزی عراق یک‌سری فعل و انفعالاتی انجام می‌شود. یگان‌های مهندسی کانال می‌زنند، میدان مین می‌گذارند. حمله می‌کنند و می‌آیند و می‌زنند و کارگران شرکت نفتی را می‌برند. عملیات توپخانه‌ای هم صورت می‌گیرد. خمپاره می‌آید، موشکی می‌زنند و هواپیماها نقض حاکمیت می‌کنند؛ این گزارش‌ها را می‌دهند. به مراکز استان خبر می‌دهند و استان‌ها هم به مرکز حکومت اطلاع می‌دهند و مرکز حکومت به واکنش رئیس جمهور و فرمانده کل قوا نگاه می‌کند و می‌گوید ارتش به من گزارش نداده است! می‌گویند عراق پشت مرزها آمده است و خبر آن را داده‌اند، می‌گویند ملاک اطلاعاتی است که ارتش می‌دهد.

در سال ۵۸ نزدیک به ۸۴ بار به ما حمله‌شد. در سال ۵۹، ۵۵۲ بار ما مراد مهاجم قرار می‌دهند. جدول این را در کتابم درآوردم. از سوی دیگر سلاح می‌آید، فسران رئیس عشیره در هفت تپه شوش، سلاح و مهمات قاچاق می‌کند. گروه خلق عرب را در خوزستان سازماندهی کردند. نگاه اینها ناسیونالیستی است؛ بین عربیت و صمیمیت هستند. روی کل این جبهه‌ها فقط خوزستان را

را عوض و حتی برای اینها فرمان‌دان نظامی مشخص کردند. کار فرهنگی کرده و حتی نقشه را هم عوض کردند. مرزهای عراق را از بالای مرزهای خوزستان چیدند. اینها پیش‌زمینه‌هاست.

حرف‌هایی را که صدام می‌زند نگاه کنید. وزیر امور خارجه‌اومی‌گوید وجود پنج ایران کوچک بهتر از وجود یک ایران واحد است. معاون صدام می‌گوید اگر ایران مشکل خود را با ما حل نکند از طریق خوزستان اینها را دیدند و گزارش دادند ولی این گزارش‌ها را می‌گویند چون ارتش به ما اعلام نکرده است، برای ما سندیت ندارد. حتی در کرمانشاه شهید صیاد، محمد بروجردی و حاج احمد متوسلیان نیروی زمینی هستند و در لشکر ۸۱ کرمانشاه جلسه با حضور رئیس جمهور و فرمانده کل قوا بنی صدر گذاشته شد.

«ویرانه دروازه شرقی» را می‌بویسند. در آنجا می‌گویند من دروازه‌بان کشورهای غربی هستم که تشعشعات انقلاب اسلامی می‌خواهد از آن عبور کند. من دروازه‌بان هستم و اجازه نمی‌دهم که حکومت‌های دیکتاتوری مثل ما را که اولی من هستم نابود کند، از بین ببرد.

می‌خواهیم کمی به‌شروع جنگ نزدیک‌تر شویم. در ماه‌های منتهی به شروع جنگ چه حوادثی رخ داد؟

چیزی تحت عنوان جنگ نداریم. این جنگ تحمیلی است ولی زبانت این است که بگوییم دفاع مقدس! این را من نمی‌گویم. چند وقت پیش یکی از استراتژیست‌های آمریکایی مطلب جالبی نوشت. نوشته بود در واقعه‌ای که بین ایران و عراق اتفاق افتاد طرف متخاصم عراق بود. از نظر او اولین دلیل مبنی بر اینکه عراق متجاوز بود این است که عراقی‌ها به این جنگ یوم الرعد یعنی روز صاعقه ایرانی‌ها به این واقعه دفاع مقدس می‌گویند. پس نشان می‌دهد ادبیاتی که استفاده می‌کنید آن طرف در لشکری از ژنرال‌های استراتژیست‌های اینها تحلیل می‌شود.

اگر از همان روز اول می‌گفتید جنگ مقدس یا تهاجم مقدس قاعدتا چنین برداشتی می‌کردند، ولی شمامی‌گویید دفاع مقدس و آنها هم مبارز این گذاشتند. می‌گویند اولین مولفه برای اینکه بگوییم ایرانی‌ها تهاجم نکردند این است که خود آنها به این واقعه می‌گویند دفاع مقدس! عراق این را به نام روز صاعقه می‌شناسد. پس چیزی تحت عنوان جنگ نداریم. جنگ تحمیلی و زبانت‌آن دفاع مقدس است. می‌گویند جنگ عراق و ایران در حالی که ۱۸ کشور به ما اسیر داده است. ۲۲ کشور مستقیم با ما جنگیده‌اند. همین کشورهای اروپایی که اسم آن‌را کشورهای منتع گذاشته‌اند. این یک جنگ جهانی بود. این را کتاب الکساندر کنت، رئیس سازمان جاسوسی فرانسه می‌گوید. اسم آن جنگ جهانی چهارم است. شرق و غرب حضور داشتند. سید احمد می‌گوید من خدمت امام بودم و گفتم آقای این دو برقدرت شرق و غرب، آمریکا و شوروی … امام گفت «و ایران» چه کسی گفته فقط این دو برقدرت هستند؟

حوادث را مرور می‌کنیم. ۲۹ فروردین ۵۹ می‌شود آمریکایی‌ها با ما اینها طرح‌هایی می‌کنند و آقای کارتر این الرضامی‌کند. قبل از دادن هواپیماهای جنگنده اف ۱۴ و راهبردی را چه کسی مطرح کردند؟ زمان آقای بازرگان بود و چه کسی جلوی این را گرفت؟ حضرت آقا جلوی این را گرفتند. یعنی حضرت آقا یا چند نفر دیگر جلوی این داستان را گرفتند و این هواپیما را اگر قبل جنگ داده بودیم در جنگ اینها را نداشتیم که استفاده کنیم.

یکی دیگر از زمینه‌های جنگ در خوزستان است. از شهر شوش، اهواز و هور و هویزه تاخرمشهر، آبادان و ماهشهر عرب‌زبان هستند، یعنی دوسوم خوزستان عرب هستند. عراق از آن سوی مرز لنج می‌آورد و خوار و بار می‌دهد و دفترچه خوار و بار صادر کرده و به آنجا محمره می‌گوید یعنی خاک سرخ. شناسنامه برای مردم صادر می‌کند و حسن ناسیونالیستی عربیت و عجمیت را فعال کرده است. چیزی که سر قضیه آب شاهد بودیم. گروه خلق عرب کار می‌کند. بمب‌گذاری و ترور می‌کند. خط لوله‌های آب را منفرج می‌کند.

آبرسانی را از زمین می‌برد. پاسگاه‌رامی‌گیرد. هور و مرج‌راه می‌اندازد. در کنار این کار فرهنگی می‌کند. خوار و بار می‌دهد و می‌گوید صدام شما را دوست دارد و ما همه عرب هستیم و این انقلاب به شما چه داده و صدام شناسنامه برای شما صادر کرده است.

اینکه گفتید ریشه‌های داستان کجاست این است. این طرح برگرفته از طرح اسرائیلی‌هاست. در کتاب‌ها چاپ کرده‌اند که خوزستان بخشی از عراق است و اسم آن را عربستان کوچک گذاشت. به آبادان، «عابدان» می‌گفتند. اهواز را «الاهواز» می‌گفتند، خرمشهر را محمره می‌نامیدند. موسنگرد را خفاجیه می‌نامیدند. اسامی